

بررسی تطبیقی قتل در فراش

در فقه امامیه، اهل سنت و حقوق موضوعه ایران

محمد پناهی^۱

چکیده

در اسلام قتل عمد بسیار مورد نکوهش قرار گرفته و از آن به شدت نهی شده است، ولی باوجود نهی‌های فراوان، خود شریعت اسلامی در مواردی از این نهی چشم‌پوشی کرده و آن را جایز می‌شمارد که یکی از آن موارد، قتل در فراش است. در این مقاله سعی شده است که موضوع قتل در فراش به صورت تطبیقی در فقه و حقوق موضوعه بررسی و نظرات فقها و حقوقدانان همراه با دلایل آن‌ها ذکر شود این مقاله از سه بخش تشکیل شده در بخش اول مفاهیم و واژگان مورد بررسی قرار گرفته است در بخش دوم نظرات علماء و دلایل آن‌ها بیان شده و در بخش سوم به بررسی موضوع با نگاه حقوقی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: قتل، فراش، مرد/جنبی، فقه و حقوق

^۱. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) افغانستان.

مقدمه

انسان موجودی است که از منظر همه ادیان و مکاتب دارای ارزش و کرامت ذاتی است هیچ فردی حق تعرض به وی و نابودی او را ندارد و نمی‌تواند بدون جهت و دلیلی این حق را از وی سلب نماید، شاخص‌ترین ارزش‌ها را برای انسان می‌توان در مکتب اسلام جستجو کرد به گونه‌ای که کشتن یک انسان برابر با کشتن همه انسان‌ها تلقی گردیده و نیز مجازات دنیوی و اخروی سنگینی برای قاتل در نظر گرفته شده است تا جایی که از جمله کسانی که برای ابد در جهنم، مخلد می‌باشند قاتل به ناحق انسان بی‌گناه است، باین وجود، از این قاعده مواردی استثناء شده است از جمله این موارد می‌توان به قتل در فراش اشاره نمود که باوجود شرایطی، شخص می‌تواند متعرض به حریم خصوصی و خانوادگی‌اش را به قتل برساند و مسئولیت شرعی و قانونی نداشته باشد و این امر (قتل در فراش) به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت تلقی شود.

۱. واژه‌شناسی

۱-۱. قتل

قتل عمد، عبارت است از رفتار بدون مجوز قانونی عمدی و آگاهانه یک انسان به نحوی که منتهی به مرگ انسان دیگری شود. (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ۴۸).

۱-۲. فراش

در لغت به معنای گستردنی است (عمید، ۱۳۴۲: ۷۶۱) و به معنای بستر، لانه و آنچه بگسترانند و بر آن بخوابند نیز به کار می‌رود و به کنایه هر یک از دو همسر، زوج و زوجه فراش یکدیگر خوانده می‌شوند. (دهخدا، ۱۳۴۱: ج ۲۰، ۱۰۲) در اصطلاح، فراش وصف زوجه مدخوله معلوم الدخول است حتی به اماره دخول. «الولد للفراش و للعاهر الحجر» یعنی فرزند متعلق به صاحب فراش یعنی شوهر است و عاهر زناکار است. (لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ۲۷۷۶) قتل در فراش، کشتن زن خیانت‌کار و مرد اجنبی زانی با وی است در حال زنا و در حین مشاهده توسط شوهر. (ایمانی، ۱۳۸۲: ۳۶۳)

۱-۳. مه‌دور الدم

«مه‌دور» از ماده «هَدَرَ» و به معنای باطل بودن است و «مه‌دور الدم» یعنی کسی که خونش باطل است و در برابر آن قصاص یا دیه نیست. (ابن منظور، ۱۹۹۶، ج ۱۵، ۵۱)

۱. نگاه فقهای به موضوع

در این فصل به بررسی دیدگاه فقهاء می‌پردازیم.

۲-۱. دیدگاه فقهای شیعه

دیدگاه مشهور فقهای شیعه این است که چنانچه کسی همسر خویش را در حال زنا با اجنبی مشاهده کند و علم به مطاوعه و رضایت زن داشته باشد، مجاز به قتل زوجه و زانی اجنبی است. لیکن بعضی از فقها از جمله شیخ طوسی و ابن ادریس علاوه بر قید رضایت و مطاوعه زن، احسان زن و مرد زانی را هم لازم دانسته‌اند؛ و بعضی دیگر قائل به عدم جواز قتل هستند و اینک تفصیل اقوال علماء:

۱. محقق حلی در کتاب معتبر و معروف فقهی «شرایع الإسلام» در مسئله هفتم از مسائل ده گانه ملحق به باب زنا، حکم مزبور را با این عبارت بیان کرده است: «السابعة إذا وجد مع زوجته رجلاً يزني بها فله قتلها و لا إثم عليه و في الظاهر عليه القود إلا أن يأتي على دعواه بينة أو يصدقه الولي» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ۱۴۶) هرگاه شخصی، مردی را در حال زنا با همسر خود ببیند می‌تواند هر دو را به قتل برساند و گناهی بر او نیست؛ ولی از لحاظ حکم ظاهری باید قصاص شود مگر اینکه بر ادعای خود (مشاهده زنا) بینه داشته باشد یا ولی دم حرف او را تصدیق کند.

۲. شهید اول در کتاب دروس می‌فرماید: «إن من رأى زوجته تزني بها فله قتلها، (عاملی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۴۸) ودر کتاب لمعه می‌فرماید: «و لو وجد مع زوجته رجلاً يزني بها فله قتلها و لا إثم و لكن يجب القود إلا مع البينة أو التصديق» (عاملی، ۱۴۱۰: ۲۵۶)

۳. شهید ثانی در کتاب شرح لمعه، می‌فرماید: «و لو وجد مع زوجته رجلاً يزني بها فله قتلها فيما بينه و بين الله تعالى و لا إثم عليه بذلك. (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۹، ۱۲۱)

۴. فاضل هندی در کشف اللثام، می‌فرماید: «و لو وجد مع زوجته رجلاً يزني بها و علم بمطاوعتها له فله قتلها و لا إثم قطع به الشيخ و جماعه و قیده الشيخ و ابن إدريس بإحصانها» (فاضل هندی اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ۴۷۸)

۵. امام خمینی قدس سره در تحریر الوسیله مسأله ۲۸ می‌فرماید: «لو وجد مع زوجته رجلاً يزني بها و علم بمطاوعتها له فله قتلها و لا إثم عليه و لا قود، من غير فرق بين كونهما محصنين أو لا و كون الزوجة دائمة أو منقطعة و لا بين كونها مدخولا بها أو لا». (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱، ۴۹۲)

۶. محقق طباطبایی در این باره بیان می‌کند: «اختلفت في تقیید الحكم بعدم اثم الزوج في قتله الزاني بكونه محصنا كما عن الشيخ والحلی أو ابقائه على اطلاقه فيشمل غير المحصن كما هو ظاهر اكثر الفتاوى» (حائری، بی‌تا، ج ۲، ۵۱۷) در این مسئله اختلاف نظر وجود دارد که آیا زوج تنها در صورت احصان می‌تواند زانی را به قتل رساند و از این جهت گناهی مرتکب نشده است. چنان که از شیخ طوسی و علامه حلی چنین دیدگاهی نقل شده، البته ظاهر فتوای اکثر فقها یا این بوده یا حکم را بر اطلاق خود باقی گذارده‌اند در نتیجه شامل غیر محصن هم می‌شود.

و مشهور علماء برای اثبات نظریه خود به روایاتی تمسک کرده‌اند که آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

روایات مورد استناد مشهور

۱. شهید اول در کتاب دروس به روایات مرسلی به مضمون «روی انه لو وجد رجلاً يزني بامرأته فله قتلها» (عاملی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۴۸) استناد کرده است، یعنی اگر شخصی، مردی را در حال زنا با همسرش ببیند می‌تواند هر دو را به قتل برساند.

این روایت، تنها روایتی است که منطوق آن بر حکم ماده مزبور دلالت دارد. با دقت نظر در کتاب‌هایی که قبل از کتاب دروس شهید اول تحریر شده‌اند، معلوم می‌شود که چنین روایتی در هیچ‌یک از کتاب‌های فقهی نیامده است و فقهایی که بعد از شهید اول به نقل این روایت پرداخته‌اند، مأخذ روایت را کتاب مذکور قرار داده‌اند.

۲. روایت سعید بن مسیب بدین مضمون که مردی در شام بیگانه‌ای را با همسرش در حال زنا دید و اقدام به قتل مرد و همسر خود کرد. سپس معاویه به ابوموسی اشعری نوشت که حکم موضوع را از علی (ع) بپرسد. حضرت در پاسخ فرمودند: چنانچه چهار شاهد بر تصدیق ادعای خود اقامه نکنند، کشته می‌شود. (طباطبائی، ۱۴۲۹، ج ۳۱، ۲۷)

۳. روایت فتح بن زید جرجانی از امام موسی کاظم (ع) که نقل می‌کند: «به امام عرض کردم کسی به قصد دزدی یا فجور وارد خانه دیگری می‌شود و صاحب‌خانه او را به قتل می‌رساند، آیا قاتل مجازات می‌شود یا نه؟ امام (ع) فرمودند: بدان هر کس بدون رضایت صاحب‌خانه وارد خانه دیگری شود، خون او هدر است و بر قاتل او چیزی واجب نیست». (نجفی، بی‌تا، ج ۴۱، ۳۷۰)

۴. روایت منقول از امام صادق که فرمودند: «هرکس خانه مردم را دید بزند واز روزنه به آنجا نگاه کند واهل خانه او را

بکشند یا چشم او را کور کنند، مسؤولیتی ندارند». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ۶۸)

۲-۱-۲. غیر مشهور

در مقابل نظر مشهور علماء دو نظر متفاوت نیز وجود دارد.

۲-۱-۲-۱. جواز

عده‌ای از علماء جواز قتل را مشروط به احصان زانی می‌دانند.

۱. شیخ طوسی در «مبسوط» در کتاب «الدفع عن النفس» و در واقع به دنبال فروع مربوط به دفاع مشروع، این مسئله را مطرح کرده و می‌گوید: «إذا وجد الرجل مع امرأته رجلاً يفجر بها و هما محصنان كان له قتلها». (طوسی، ۱۳۷۸، ج ۸، ۷۷) هرگاه شخصی مردی را در حال زنا با زن خود دید، درحالی‌که هر دو محصن بودند می‌تواند آن دو را به قتل برساند.
۲. ابن ادریس در السرائر می‌نویسد: «إذا وجد الرجل مع امرأته رجلاً يفجر بها و هما محصنان، كان له قتلها». (حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ۴۴۶)

۲-۲-۱-۲. عدم جواز

اما بعضی از فقهای معاصر، قول مشهور را نپذیرفته و ادله آن را رد کرده‌اند. از جمله آیه الله خویی در «مبانی تکملة المنهاج» در این رابطه می‌فرماید: «المشهور على أن من رأى زوجته يزني بها رجل و هي مطوعة، جاز له قتلها و هو لا يخلو عن إشكال، بل منع؛ (خویی، ۱۴۱۸، ج ۴۲، ۱۰۳) قول مشهور این است که چنانچه کسی شخصی را با زوجه‌اش در حال زنا مشاهده کند و زن هم با او همکاری داشته باشد، می‌تواند هردو را بکشد و این قول مشهور خالی از اشکال نیست؛ بلکه قابل منع است». وی در رد ادله مشهور، بعضی از احادیث منقول در این باب را نقل می‌کند سپس به رد و نقد آنها می‌پردازد:

۱. روایت سعید بن مسیب، معاویه نامه‌ای به ابوموسی اشعری نوشت که ابن ابی جسرین مردی را با زنش دیده و او را کشته است. در این مورد برای من از حضرت علی (ع) سؤال کن. ابوموسی می‌گوید: با حضرت علی (ع) ملاقات کردم و از حضرت سؤال کردم ... حضرت فرمود:

حكم من این است که اگر چهار شاهد برای آنچه دیده، آورد، کاری ندارم والا قاتل را می‌کشم.

۲. فتح بن یزید جرجانی از حضرت علی (ع) در خصوص مردی که به منزل دیگری برای دزدی یا فجور وارد شده و صاحب‌منزل او را کشته است پرسیدم که آیا قاتل قابل قصاص است؟ حضرت فرمود: بدان، کسی که داخل منزل غیر شود، خونس هدر است و بر قاتل چیزی نیست
۳. در صحیحه حلبی، امام صادق (ع) فرمود:

چنانچه کسی حرمت منزل کسی را رعایت نکرده و به نوامیس صاحب‌خانه نگاه کند و چشم متجاوز را کور کنند یا او را مجروح کنند، بر آنها دیه‌ای نیست و تعدی‌کننده‌ای که با او مقابله به‌مثل شده، حق قصاص ندارد. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ۶۸)

آیه الله خویی در رد قول مشهور می‌فرماید:

حدیث دوم (جرجانی) از جهت سند به دلیل وجود تعدادی راوی مجهول، قابل قبول نیست و از نظر دلالت، موضوع روایت درجایی است که کسی برای دزدی یا انجام جرائم دیگر، حرمت منزل دیگری را هتک کرده و جواز قتل در این موارد از باب دفاع است و بحثی از جرم زنا نیست و بحثی از این‌که صاحب‌خانه و قاتل، زوج باشد و ارتکاب فجور نسبت به زوجه یا سایر محارم یا غیر محارم باشد، مطرح نیست و جواز قتل در مقام دفاع مورد قبول است؛ بنابراین، روایت مذکور به فرض صحت، از محل بحث خارج است.

روایت سوم (صحیح حلی) هم هرچند از نظر سند مشکلی ندارد، اما ارتباطی به بحث ما ندارد؛ چون این حدیث نیز به موضوع دفاع از عرض و ناموس پرداخته که مورد قبول ما است و در این حدیث هم سخنی از جواز قتل و مشاهده زانی اجنبی با زن توسط زوج، مطرح نشده است.

حدیث اول (روایت سعد بن مسیب) که دلالت بر قول مشهور دارد به جهات مختلف از نظر سند قابل قبول نیست. ضمن این که در این حدیث فقط سخن از کشتن زانی اجنبی است و مجوزی جهت قتل زن نمی تواند قرار گیرد. علاوه بر این در مقابل این سه حدیث که از نظر سند و دلالت نمی توانند قول مشهور را توجیه کنند، از صحیح داود بن فرقد عدم جواز قتل در محل بحث، قابل استفاده است.

داود بن فرقد می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که اصحاب رسول خدا (ص) به سعد بن عبادہ گفتند: اگر روی سینه همسرت مردی را ببینی چه می کنی؟ سعد گفت: او را با شمشیر می زنم. امام صادق (ع) می فرماید: در این هنگام رسول خدا فرمود: چه شده سعد؟ سعد بن عبادہ سؤال اصحاب و جواب خود را تکرار کرد. حضرت رسول (ص) فرمود: چهار شاهد را چه می کنی؟ سعد گفت: بعد از این که خودم دیدم و خداوند می داند که او (متجاوز) مرتکب زنا شده، باز هم باید چهار شاهد بیاورم؟ حضرت فرمود: بله خداوند متعال برای هر چیزی حدی قرار داده و برای کسی هم که از آن حد تجاوز کند، حدی قرار داده است. (همان، ۱۴) این حدیث صحیح، دلالت صریح دارد که چنانچه کسی شخصی را در حال زنا با همسرش مشاهده کند، نمی تواند او را بکشد؛ مگر این که چهار شاهد با خصوصیات مذکور در شرع، به وقوع زنا شهادت دهند. در آن صورت مجوز قتل به جهت شهادت شهود بر زنا خواهد بود و معمولاً شهادت شهود نزد حاکم است. پس مقصود اقامه شهادت نزد حاکم و اجرای حد از ناحیه حاکم است نه این که شخص مرتکب قتل شود و بعد شهود را نزد حاکم ببرد. ضمن این که به فرض ما از دلایل مشهور، جواز قتل قبل از اقامه شهادت را استفاده کنیم، آنچه در این احادیث مدنظر ائمه اطهار (ع) قرار گرفته، قتل زانی متجاوز است و از هیچ کدام جواز قتل زوجه استفاده نمی شود. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۴۲، ۱۰۴)

در ادامه این بحث، آیه الله خویی حدیث مرسله ای از شهید اول نقل می کنند: «إِنَّ مَنْ رَأَى زَوْجَتَهُ تَزْنِي فَلَهُ قَتْلُهَا» و می فرماید: این حدیث در کلمات علمای متقدم بر شهید اول نیست و نمی توان گفت مشهور به این حدیث عمل کرده اند تا عمل مشهور، جبران کننده ضعف سند حدیث باشد.

با توجه به عمومات منع اجرای حدود باوجود شبهات و حرمت خون مسلم، نمی توان با استناد به این مرسله، قتل زوجه در حال زنا را به طور مطلق مباح دانست. ضمن این که خود شهید اول در کتاب دروس از این حدیث استفاده جواز قتل در همه موارد نکرده است؛ چرا که می فرماید: «تفاوتی میان تازیانه و رجم نیست.» منظور ایشان این است که به طور استثنای زوج حق اجرای حد دارد؛ خواه تازیانه باشد یا سنگسار و مستند آن، حدیث مذکور است لذا با توجه به مرسله بودن حدیث و عدم استناد به آن از طرف فقهای متقدم بر شهید اول و عدم استفاده اطلاق جواز قتل از ناحیه خود شهید اول، نمی توان حکمی خلاف اصل و احتیاط یعنی، جواز قتل زوجه را به این حدیث مستند نمود.

نکته دیگر که مورد توجه بعضی از فقهای معاصر قرار گرفته است تفاوت میان حکم تکلیفی و وضعی است؛ یعنی، این که آیا از روایات مورد استناد مشهور، استفاده می شود که زوج مجاز به قتل زوجه و زانی اجنبی است باینکه اجرای حدود از وظایف حاکم است؟ یا این که روایات در صدد بیان حکم وضعی هستند که چنانچه مردی همسرش را در حال زنا با اجنبی مشاهده کرد و یکی یا هر دو را کشت و چهار شاهد آورد، قصاص نمی شود.

با دقت در احادیث باب به خوبی مشخص است که مقصود و مراد ائمه اطهار (ع) جواز قتل به صورت مطلق نیست؛ بلکه استفاد از صحیح حلی، روایت فتح بن یزید جرجانی و روایت سعید بن مسیب - که عمده احادیث مورد استناد مشهور هستند - این است که ائمه اطهار (ع) حکم وضعی را بیان کرده اند و فرموده اند: چنانچه در عالم واقع، اتفاق افتاد که کسی زوجه اش را در حال زنا مشاهده کرد و زانی متجاوز را کشت، قصاص نمی شود مشروط بر این که چهار شاهد بیاورد که همانند خودش این صحنه را مشاهده کرده باشند. در عالم واقع با توجه به این که اقدام به قتل در این موارد به سبب تحریک غیرت و احساسات مرد اتفاق می افتد، به ندرت می توان موردی را یافت که مرد بتواند چهار شاهد عادل جهت مشاهده عمل منافی عفت حاضر کند و بعد اقدام به قتل کند؛ مگر این که با تصمیم قبلی و مهیا کردن مقدمات، مرد را به منزل خود دعوت کرده باشد و از طرف دیگر چهار شاهد حاضر کند و بعد اقدام به قتل کند. روایات باب، در مقام جایز دانستن چنین قتلی نیستند و با توجه به مفاد صحیح داود بن

فرقد، حضرت رسول (ص) سعد بن عبادہ را از اقدام به چنین قتلی منع می‌کند و حضرت در مقام بیان حکم تکلیفی است و به سعد بن عبادہ تفهیم می‌کند که باید چهار شاهد عادل، شهادت دهند و واضح است که اقامه شهادت باید در دادگاه و نزد حاکم باشد.

پس در این مورد که موضوع، اقدام به قتل است، حضرت رسول (ص) سعد بن عبادہ را از اقدام به قتل نهی می‌کند و در سایر موارد که کسی اقدام به قتل اجنبی در حال زنا با همسرش نموده و پرونده‌ای تشکیل شده، ائمه اطهار (ع) فرموده‌اند: در صورتی که زوج چهار شاهد اقامه کند، قصاص نمی‌شود و این با جواز قتل و مهدورالدم بودن زوجه و زانی اجنبی نسبت به زوج تفاوت دارد؛ مثلاً، این که می‌گوییم: اگر مسلمانی اهل ذمه را بکشد یا پدری فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود، دلیلی بر مهدورالدم بودن مقتولان نسبت به قاتل وجود ندارد. ضمن این که در هیچ کدام از روایات مذکور، جواز قتل زوجه و معافیت از قصاص در صورت شهادت شهود، استفاده نمی‌شود.

نتیجه این که جواز قتل زن حتی در صورت علم به مطاوعه، هیچ‌گونه دلیل معتبری ندارد و از روایات جواز قتل اجنبی در صورت مشاهده زنا با همسر هم حکمی تکلیفی به معنای مهدورالدم بودن زانی، قابل استفاده نیست. تنها چیزی که در صورت قبول سند و دلالت روایات قابل طرح است، عدم اجرای قصاص نسبت به قاتلی است که مردی را در حال زنا با همسر خویش مشاهده کرده و او را به قتل رسانده است. مشروط بر این که چهار شاهد عادل که همانند او زانی اجنبی با زوجه قاتل را مشاهده کرده‌اند، به دادگاه معرفی کند و الا در این صورت قاتل هم قصاص خواهد شد.

۲-۲. دیدگاه فقهاء اهل سنت

در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه در این رابطه آمده است:

جمهور اهل سنت در مسئله قتل زوجه و اجنبی معتقدند قتل زانی جایز نیست و به حدیثی استناد می‌کنند که سعد بن عبادہ از حضرت رسول (ص) سؤال کرد: ای رسول خدا! اگر مردی را با همسر دمیدم آیا مهلت بدهم تا علیه او با چهار شاهد اقامه شهادت کنم؟ حضرت فرمود: بلی. روی البخاری أبي هريرة: إن سعد بن عبادہ قال: يا رسول الله! أرأيت إن وجدتُ مع امرأتی رجلاً أمهله حتى آتی بأربعة شهداء؟ فقال رسول الله (ص): نعم. (جزیری، ۱۴۱۹، ج ۵، ۹۴)

نویسنده مذکور در توضیح این قول می‌نویسد:

زیرا ممکن است مردی، دیگری را به منزل خویش جهت امری دعوت نماید و به جهت کینه و انتقام، او را بکشد و بگوید: او را با همسر مشاهده کردم و ممکن است کسی به جهت خلاص شدن از دست همسرش او را به قتل برساند و به دروغ ادعا کند که او را در حال زنا با اجنبی دیده است. (همان، ۵۱)

در عین حال از حنبله و مالکیه نقل می‌کند که معتقدند چنانچه قاتل دو شاهد اقامه کند که به جهت ارتکاب زنا مرتکب قتل شده و مقتول محصن باشد، مجازات نمی‌شود.

شافعیه: اگر هردو یا یکی را بکشد قصاص می‌شود مگر اینکه ولی دم راضی به دیه شوند و یا عفو نمایند

موضوع مورد اتفاق دیگر میان اهل سنت، این است که چنانچه کسی زانی غیر محصن را در حال زنا به قتل برساند، مجازات نمی‌شود و دلیل ایشان قضاوت عمر در مورد مردی است که با شمشیر خون‌آلود نزد او آمد و به دنبال او جمعیتی دیگر آمدند و گفتند: این مرد دوست ما را در کنار همسرش کشته است. عمر سؤال کرد: این‌ها چه می‌گویند؟ آن مرد گفت: با شمشیر میان دو پای همسر دم. اگر در آن محل کسی بوده او را کشته‌ام. عمر قضیه را از آن گروه پرسید. آن‌ها گفته او را تأیید کردند. عمر رو به مرد کرد و گفت: اگر دوباره آمدند همین کار را تکرار کن و خون مقتول را هدر اعلام کرد.

عبدالقادر عوده، علت اباحه قتل را در این صورت به نقل از علمای اهل سنت دو امر می‌داند:

الف. تحریک: قائلین به تحریک در این که زن از خویشان مرد باشد یا اجنبی، تفاوت قائل شده و فقط در صورت اول قتل را جایز می‌دانند.

ب. نهی از منکر: در این صورت بر همه اشخاص واجب است و تفاوتی میان زانی با اهل یا اجنبی نیست. رأی مشهور در مذاهب سه‌گانه اهل سنت (غیر از شافعی) همین است؛ اما مذهب شافعی این است که قتل غیر محصن در حالت تلبس به زنا را

جایز نمی‌دانند؛ مگر در صورتی که بازداشتن از ارتکاب جرم به غیر طریق قتل ممکن نباشد و تحریک را مجوز قتل ندانسته و دفع منکر را مجوز قتل نمی‌دانند مگر این که قتل تنها راه دفع منکر باشد. (عوده، بی تا ج ۱، ۵۴۰)

نتیجه این که اهل سنت در خصوص جواز قتل زن و اجنبی در حال زنا نظر مستند و مستدلی ندارند. تحریک و یا نهی از منکر از نظر قواعد و اصول مجوز قتل نبوده و شرایط و مقررات خاص خود را دارد؛ بنابراین، در کلمات فقه‌های اهل سنت مرد اجنبی و زوجه در صورت مشاهده در حال زنا، از مصادیق مهدورالدم نیستند و جواز قتل در حال زنا، به‌طور کلی در کلمات اهل سنت از باب تحریک (در خصوص زنا با خویشاوندان) و یا نهی از منکر (نسبت به همه افراد) مطرح است.

۳-۲. اثبات موضوع از نظر فقهی

در بحث مرحله ثبوتی نظریه امام خمینی (ره) را بدین لحاظ که منبع وضع قانون بوده بررسی خواهیم کرد. ایشان در کتاب دفاع بعد از بیان شرایط ثبوتی موضوع می‌فرماید: «در موردی که ضرب و جرح و کشتن جایز شمرده می‌شود، این جواز بین و بین الله است و در واقع گناه و مسؤولیتی نزد خدا وجود ندارد؛ اما از نظر ظاهری، قاضی باید بر اساس ملاک باب قضا داوری کند. لذا اگر کسی دیگری را بکشد و مدعی شود که او را در بستر همسر خود دیده است، لکن بر اساس مقررات شرعی شاهی برای اثبات ادعای خود نیلورد محکوم به قصاص شود، چنانکه در اشتباه و نظایر آن نیز چنین عمل می‌شود».

(خمینی، بی تا، ج ۱، ۴۹۱)

بر اساس نظر مذکور، صرف ادعای قاتل بر مهدورالدم بودن مقتول موجب عدم مسؤولیت وی نمی‌شود و در صورت ارائه ادله شرعی (چهار شاهد عادل مرد) قصاص می‌شود؛ بنابراین در موضوع مورد بحث، قاتل (شوهر) باید شرایط تحقق ماده ۶۳۰ را در مورد خاص اثبات کند تا از مجازات معاف گردد و الا قصاص می‌شود. سیستم مورد بحث برای اثبات زنا نیز با توجه به نظر فقها و کتاب اول بخش پنجم (مواد ۱۶۰ تا ۲۱۳) می‌باشد.

البته سیستم دلایل قانونی است که در آن، حدود اعتبار هریک از دلایل و شرایط آن‌ها را قانون تعیین می‌کند و قاضی مکلف به رعایت آن‌هاست ولو منجر به قناعت وجدان او نشود. البته سیستم مذکور در عمل با دشواری در اثبات مواجه است، زیرا در فرض مسئله متهم یا متهمان به زنا کشته شده‌اند و لذا اثبات موضوع از راه اقرار ایشان ممکن نیست و فقط می‌توان به شهادت یا علم قاضی تمسک کرد. تمسک به شهادت هم با توجه به مواد ۱۸۳ تا ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی ساده نیست، زیرا شهود باید حادثه را به نحو خاص رؤیت کرده باشند و ادعای آن‌ها معارض یکدیگر نباشد که وقوع چنین فرضی بسیار دشوار و حصول علم قاضی هم بسیار بعید است و در هر حال اثبات استحقاق قتل موضوع ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی «تعلیق به محال» است و به همین دلیل، امام (ره) و سایر فقها معتقدند در صورت عدم اثبات ادعای شوهر اگر واقعاً محق باشد بین و بین الله مسؤولیت ندارد، اما به لحاظ دنیوی قصاص می‌شود و این امر با مأجور بودن او نزد خداوند منافاتی ندارد. نکته آخر اینکه ماده مذکور به شوهر حق چنین کاری را داده است نه اینکه او را مکلف کرده باشد و لذا او می‌تواند از اعمال حق خودداری کرده و برای مجازات خاطیان به محکمه مراجعه کند یا با توسل به لعان، همسر خود را طلاق دهد.

۳. نگاه حقوقی به موضوع

در این بخش دیدگاه‌های حقوقدانان را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۳-۱. تاریخچه و سوابق قتل در فراش

۳-۱-۱. در ایران

الف. قبل از انقلاب اسلامی

در ماده یک قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ - به عنوان اولین قانون موضوعه کیفری ایران - آمده بود:

مجازات‌های مصرحه در این قانون از نقطه نظر حفظ انتظامات مملکتی مقرر و در محاکم عدلیه مجری خواهد بود و جرم‌هایی که موافق موازین اسلامی تعقیب و کشف شود، بر طبق حدود و تعزیرات مقرر در شرع، مجازات می‌شوند.

بدین ترتیب قانون‌گذار ایران تحت تأثیر موقعیت آن روز و جهت جلب نظر و اعتماد علما و متشرعان، بدون اشاره به جرائم و مجازات‌های اسلامی و چگونگی تعقیب و محاکم صالح، جهت رسیدگی به این جرائم، در عمل عدم پای‌بندی خود به جرائم و مجازات‌های اسلامی را نشان داده و به خاطر عدم قدرت علما در اجرای مجازات‌های اسلامی، حدود و تعزیرات شرعی از جهت اجرایی متروک شدند. در ماده ۱۷۹ این قانون می‌گوید:

هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا درحالی که به‌منزله وجود در یک فراش است، مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آن‌ها یا هردو شود، معاف از مجازات است.

درعین‌حال در تصویب این ماده هم توجهی به نظریات فقها نشده است و لذا در ادامه همین ماده می‌خوانیم:

هرگاه کسی به طریق مزبور، دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی ببیند و در حقیقت هم علاقه زوجیت بین آن‌ها نباشد و مرتکب قتل شود، از یک ماه تا شش ماه به حبس تأدیبی محکوم خواهد شد و ... زیرا فقها جواز قتل را صرفاً در خصوص زنا، همسر گفته‌اند؛ نه سایر محارم. در خصوص همسر هم مشاهده در حال زنا، مجوز قتل است؛ نه وجود در یک فراش یا به‌منزله یک فراش.

با توجه به این‌که تصویب ماده یک قانون مجازات عمومی صرفاً جهت جلب رضایت علما و متدینان بود، با استقرار کامل دادگستری و فراهم شدن شرایط، قانون‌گذار در سال ۱۳۵۲ ماده یک قانون مجازات عمومی را به شرح ذیل اصلاح کرد: قانون مجازات راجع است به تعیین انواع جرائم و مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می‌شود. و نیز ماده ۲ همین قانون تصریح می‌کند: هر فعل یا ترک فعل که به‌موجب قانون قابل مجازات باشد، جرم است و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر آن‌که به‌موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی یا تربیتی تعیین شده باشد. بنابراین به‌صورت کامل، راه بر اجرای حدود و تعزیرات اسلامی بسته شد و تنها موردی که در قانون مذکور با فقه تطابق داشت، قتل در مقام دفاع بود که آن‌هم بر اساس حقوق عرفی در قانون مجازات وارد شد.

بنابراین در قوانین مجازات ایران قبل از پیروزی انقلاب و خصوصاً بعد از اصلاحات سال ۱۳۵۲ بحثی از مجازات‌های اسلامی نیست و در عمل، کشتن شخص به‌عنوان مهدور الدم شرعی منتفی بود و جواز قتل زانی و زانیه در فراش، بر مبنای تحریک و برگرفته از حقوق عرفی بود.

ب. بعد از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اسلامی شدن قوانین کیفری و حقوقی، قانون‌گذار در جهت اسلامی کردن قوانین بر اساس منابع فقهی و فتاوی امام خمینی، به وضع قانون حدود و قصاص و دیات و تعزیرات اقدام کرد و با توجه به تغییرات و تحولاتی که در قوانین موضوعه بعد از انقلاب صورت گرفته است که یکی از آن‌ها ماده ۱۷۹ است.

ماده ۶۳۰ ق. م. ا. (قتل زوجه واجنبی در حال زنا)

به‌رغم وجود ماده ۱۷۹ در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ قانون‌گذار در تصویب قانون حدود و قصاص و تعزیرات در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ و اصلاحات سال ۱۳۷۰ اشاره‌ای به جواز قتل زوجه در حال زنا توسط همسر ننموده است. ولی قانون‌گذار در تصویب قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ در ماده ۶۳۰ به شوهر اجازه داده است که در صورت مشاهده همسر خود در حال زنا در صورت علم به مطاوعت زوجه، زوجه واجنبی را به قتل برساند.

«هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند» (ماده ۳۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) قیود مذکور در ماده ۶۳۰ جواز را بسیار محدود و فقط به مورد مشاهده و در صورت علم به رضایت زن منحصر کرده است. (فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت، ج ۲۲، ۱۴۶)

۲-۱-۳. در فرانسه

در فرانسه: قانون مجازات فرانسه تحت عنوان جنایات و جنحه‌هایی که از مجازات معافند، مواردی را بر شمرده و از جمله در ماده ۳۲۴ پس از آنکه می‌گوید علی‌الاصول قتل زن به‌وسیله شوهر یا قتل شوهر به‌وسیله زن از مجازات معاف نیست مگر اینکه زندگی

مرتکب، قتل در خطر افتاده باشد، مقرر می‌دارد: «معذالک در صورتی که مردی همسر خود را در خانه مشترک زوجیت در حال زنا (به گونه‌ای که در ماده ۳۳۶ پیش بینی شده) مشاهده کند و مرتکب قتل همسر خود و مرد اجنبی شود، از معافیت قانونی برخوردار خواهد بود.» (ماده ۳۳۶ که اینجا مورد اشاره قرار گرفته ناظر به این است که فقط شوهر می‌تواند از زنا همسر شکایت کند آن هم به شرط آنکه خود در منزل مشترک رفیقہ نیاورده و با زن دیگر رابطه برقرار نکرده باشد) مطابق ماده ۳۲۶ قانون مجازات فرانسه مجازات چنین قتلی به یک سال تا ۵ سال حبس تقلیل پیدا می‌کند؛ البته باید گفت که شق دوم ماده ۳۲۴ فوق الاشعار و نیز مواد ۳۳۶ و ۳۳۹ به موجب قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۵ نسخ شد؛ در قانون مجازات جدید فرانسه که با اصلاحات و تغییرات زیاد تصویب و در تاریخ اول مارس ۱۹۹۴ به اجرا گذاشته شد اثری از آن دیده نمی‌شود؛ به نظر می‌رسد در قانون مجازات جدید، زنا ولو زنا محصنه اگر توأم با عنف و یا فریب نباشد، اصولاً جرم محسوب نشده و مجازات ندارد؛ زنا ز شوهردار یا مرد زن دار، می‌تواند نقض جدی تکلیف و تعهد مربوط به ازدواج تلقی شده و موجب درخواست طلاق گردد. گویا رواج این فکر که زنا و اصولاً روابط نامشروع جنسی ممکن است صرفاً یک گناه محسوب شود که صرفاً مسؤولیت فرد را در برابر خدای خود در پی دارد و نه جرمی که جامعه و حکومت بتواند برای آن کیفر قرار دهد، در این روش قانون گذاری فرانسه مؤثر بوده است؛ اقدامات طرفداران حقوق زن نیز طبعاً در اصلاح مقررات جزایی مربوط به زنا و به خصوص حذف شق ۲ ماده ۳۲۴ نقش داشته است. (مهرپور: ۱۷۰)

۳-۱-۳. در مصر

در ماده ۲۳۷ قانون مجازات مصر در خصوص جواز قتل زوجه توسط زوج در صورت مشاهده زوجه در حال زنا آمده است: کسی که زوجه خویش را در حال زنا مشاهده کند و در این حال زوجه و زانی را به قتل برساند، به حبس، بدل از مجازات‌های مواد ۲۳۴ و ۲۳۶ (مجازات قتل) محکوم می‌شود. در شرح قانون مجازات مصر جواز قتل زوجه در حال زنا و زانی متجاوز از باب «تحریک» یا «استفزاز» دانسته شده است و ارتکاب قتل در این وضعیت به دلیل وجود عذر «تحریک» فاقد مجازات قتل است و قانون گذار مصر و شارحین قانون مجازات مصر، به جنبه مباح بودن شرعی قتل زوجه در حال زنا، اشاره‌ای نکرده‌اند. (زاده: ۸۳)

نتیجه این که در مجموع قوانین و مقررات حقوق مصر، موردی که قتل یا سایر جرائم از جنبه شرعی، مجاز و مباح باشد به چشم نمی‌خورد و به رغم ذکر کلمه «شریعت» در ماده ۵۵، شارحان قانون و رویه قضایی مصر، شریعت را مساوی و به معنای قانون وضعی مصر تفسیر کرده‌اند.

۳-۱-۴. در لبنان

ماده ۵۶۲ قانون جزای لبنان، در صورتی که مرتکب یقین به زنا همسر یا فرزند یا خواهر یا مادر خود پیدا می‌کند و مرتکب قتل می‌شود وی را معاف از مجازات می‌دانست و اگر یقین پیدا نمی‌کرد از جهات تخفیف مجازات به حساب می‌آمد. (حسنی، ۲۳) لبنان در ماده ۵۶۲ تحت عنوان «قتل به سبب شرف» قتل زن و مرد زانی، توسط شوهر را در صورت مشاهده در حال زنا مباح دانسته (محمدزکی: ۳۸۸) و برخلاف قانون مصر و عراق که آن حالت را عذر تخفیف دهنده مجازات برای قاتل دانسته، در قانون لبنان قتل در این حالت هیچ گونه مجازاتی ندارد و اصطلاحاً عنصر قانونی جرم را زایل می‌کند.

تفاوت دیگر قانون لبنان با سایر کشورهای اسلامی، این است که مشاهده زنا در مورد سایر بستگان نسبی مانند مادر، خواهر و دختر نیز مجوز قتل است و چنانچه کسی زوجه یا مادر یا خواهر و دختر خود را در حال زنا با اجنبی ببیند و او را به قتل برساند، مجازات نمی‌شود.

همچنین مشاهده افراد مذکور در حالت خلوت با اجنبی (غیر از زنا) و اقدام به قتل و یا ضرب و جرح نیز در حقوق لبنان عذر تخفیف دهنده مجازات است. (همان)

چنانچه ملاحظه می‌گردد در حقوق لبنان نیز جواز قتل زوجه و اجنبی در حال زنا توسط زوج، بر اساس شرع بوده و عذر مجوز قتل و یا تخفیف دهنده مجازات قاتل، همان تحریک است و در موارد دیگر نیز، اجازه قتل یا مباح دانستن قتل، به اسباب و دلایل شرعی مطرح نشده است.

۵-۳. در عراق

بر اساس ماده ۴۰۹ این قانون برای مردی که همسر خویش را در حال زنا مشاهده نموده و مرتکب قتل یا ضرب و جرح همسر و یا زانی اجنبی شده، مجازات حبس پیش‌بینی کرده است و به صورت کلی بر اساس ماده ۱۲۸ قانون مجازات عراق، ارتکاب جرم با انگیزه‌های مقدس و یا در صورت تحریک شدید، از عذرهای تخفیف دهنده مجازات است و در توضیح انگیزه‌های مقدس، یکی از شارحان قانون مجازات عراق به دفاع از عرض یا شرف یا دفاع از مبدأ یا عقیده سیاسی اشاره می‌کند

۲-۳. حکمت و علت حکم

در بیان علت حکم جواز قتل و معاف بودن شوهر از مجازات قتل همسر خود و مرد اجنبی، نظرهای متعددی توسط دانشمندان ارائه شده است که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۲-۳. تهییج و تحریک روحی

در کلمات هیچ‌یک از فقها، حداقل به طور صریح، عصبانیت و برانگیختگی شوهر، مجوز قتل یا عذر معاف بودن وی از مجازات شناخته نشده است.

بنابراین برخلاف توجیه حقوقدانان از ماده ۱۷۹ قانون مجازات اسلامی سابق مبنی بر اینکه مرد با مشاهده همسر خود در فراش مرد اجنبی، تحریک و برانگیخته می‌شود یا گرفتار چنان حالت روحی و عصبی می‌شود که احتمالاً کنترل اعصاب و اراده خود را برای لحظه‌ای از دست می‌دهد و در آن لحظه ممکن است دچار رفتار مجرمانه‌ای علیه همسر خود و مرد اجنبی شود و به دلیل نامشخص بودن رفتاری که از وی سر می‌زند و معلوم نبودن اینکه از روی اراده سالم و با تسلط بر قوای دماغی خود چنین کرده یا از روی اراده معیوب، مقنن در مورد او با اغماض نگریسته و وی را مستحق معافیت از مجازات جرم ارتكابی دانسته است، در مورد ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی که برگرفته از متون فقهی است نمی‌توان چنین توجیهی را پذیرفت، چراکه در کلام فقهای متقدم و متأخر، اشاره‌هایی به برانگیختگی و تهییج روحی شوهر با مشاهده صحنه زنا یا ارتكابی همسرش با بیگانه نشده است؛ بنابراین نمی‌توان حکم ماده اخیرالذکر را از جمله موارد تحریک با تهییج روحی قلمداد کرد.

۲-۲-۳. دفاع از عرض و ناموس

در مورد دفاع از عرض، این اتفاق نظر نزد فقها وجود دارد که چنانچه مردی اراده تجاوز به زنی کند و دفاع متوقف بر قتل مهاجم باشد واجب است که متجاوز منع شود و حتی به قتل برسد. بر همین اساس، عده‌ای از فقها، بحث حاضر یعنی حکم ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی را در باب دفاع از عرض و ناموس قرار داده‌اند. از جمله شیخ طوسی این بحث را در کتاب «الدفع عن النفس» آورده است. همچنین امام خمینی (ره) این مسئله را در آخر مبحث امر به معروف و نهی از منکر و در باب دفاع مطرح کرده است.

به هر حال اعتقاد به اینکه عمل ارتكابی شوهر در مقام دفاع از عرض و ناموس است، در همه حال یکسان نیست. در جایی که زن ممتنع از عمل زنا باشد و مرد اجنبی، با علف و اکراه، زن را مجبور به زنا کرده باشد و در آن حال شوهر مرتکب قتل شود، چنین قتلی با تعریف و ضوابط دفاع مشروع منطبق است، اما چنانچه زن خود به انجام یافتن عمل زنا تمایل داشته باشد و به مرد اجنبی تمکین کند، انطباق این حکم با بحث دفاع مشروع، دشوار به نظر می‌رسد، هرچند که برخی از حقوقدانان مفهوم دفاع مشروع را توسعه داده، موردی که زن در ارتكاب زنا رضایت داشته است را نیز از موارد دفاع مشروع و معافیت از مجازات می‌شمارند. از طرف دیگر، برخی در توجیه حکم مزبور، دفاع مشروع را به دفاع مشروع عام و خاص تقسیم می‌کنند و مورد دفاع مشروع خاص را جایی می‌دانند که مرد اجنبی علیرغم میل باطنی زن و با اکراه و علف درصدد انجام دادن زنا با وی برمی‌آید و چنانچه در همین مورد زن رضایت داشته باشد و شوهر اقدام به دفاع کند، آن را از مصادیق دفاع مشروع و صیانت از اخلاق و نظم و امنیت جامعه و دفاع منکر دانسته‌اند.

۳-۲-۳. اجرا و اقامه حدود الهی

جمعی از فقهای امامیه، حکم ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی را در ملحقات احکام مربوط به حد زنا ذکر کرده‌اند که به نظر می‌رسد عمل شوهر را به‌عنوان اجرای حد و حکم الهی تلقی کرده، او را در این کار مجاز دانسته‌اند. البته علی‌الاصول حد پس از ثبوت آن نزد حاکم شرع، باید به‌وسیله او صورت پذیرد، ولی در این مورد اجرای این حکم به‌صورت استثنایی توسط شوهر، تجویز شده است.

از جمله، محقق حلی در کتاب شرایع در مسئله هفتم از مسائل دهگانه ملحق به باب زنا، این حکم را ذکر کرده است. شهید اول در کتاب دروس، این موضوع را در «کتاب الحسبه» و در بحث امر به معروف و نهی از منکر و اینکه چه کسانی مجاز به اقامه و اجرای حد هستند، ذکر کرده است. به نظر ایشان، همان‌گونه که صاحب برده می‌تواند حد الهی را بر برده خود جاری کند، شوهر نیز می‌تواند همسر خود را به دلیل ارتکاب زنا با اجنبی به قتل برساند و این حد را اجرا کند.

شهید ثانی در شرح لمعه ضمن بیان حکم، هرچند اجرای حد در غیر این مورد را منوط به اذن حاکم می‌داند، جواز قتل زن و مرد اجنبی توسط شوهر را از جمله اقوال مشهور بین اصحاب دانسته است.

به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود، فقهای مذکور ضمن پذیرش این اصل که اقامه و اجرای حدود الهی از وظایف حاکم شرع است، به‌عنوان یک استثنا بر اصل درصدد توجیه حکم مذکور برآمده‌اند و شوهر را در اجرای حد زنا مجاز دانسته‌اند، اما علی‌رغم این استدلال‌ات چنین استثنایی موجه به نظر نمی‌رسد و اصولاً نمی‌توان یکی از موارد مذکور را علت حکم قلمداد کرد، تئوری عامل موجه استثنایی می‌تواند به‌عنوان مبنای حکم موردپذیرش قرار گیرد، بدین معنا که حکم ماده مذکور از جمله مواردی است که مقنن در تطبیق شرایط لازم برای دفاع مشروع، استثنایی بر اصل قائل شده و حتی در صورت فقدان بعضی از شرایط لازم برای دفاع مشروع، نظیر شرط تناسب و ضرورت، آن را از مصادیق دفاع مشروع به شمار آورده و به‌عنوان یکی از موارد ممتاز دفاع مشروع قلمداد کرده است. آن توجیه نیز چندان با واقعیت منطبق نیست و به‌رحال به لحاظ عدم امکان تمیز واقعیت امر از آنچه اتفاق افتاده است می‌تواند مورد استفاده سوء قرار گیرد، لکن به لحاظ نظری از بقیه توجیه‌هایی که گفتیم به نظر مقنن نزدیک‌تر است. (حبیب زاده: ۸۳)

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در مورد نظرات فقها و روایات مورد استدلال آن‌ها، گذشت به نظر می‌آید نظریه آیه الله خویی از قوت بیشتری برخوردار باشد، چون ایشان به روایات و ادله مشهور، خدشه کرده و از آن‌ها جواب داده است؛ و نظریه ایشان با توجه به اینکه فرموده‌اند شوهر بعد از قتل زانی و زانیه باید مهدور الدم بودن آن‌ها را اثبات بکند و الا قصاص می‌شود معقول‌تر و به شرایط و اوضاع و احوال امروز نزدیک‌تر و مناسب‌تر به نظر می‌آید.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۹۹۶)، لسان العرب، بيروت، مؤسسه تاريخ عربى و احياء تراث عربى.
۲. ابو عامر، محمد زكى، (۱۹۹۰)، قانون مجازات، بيروت، دارالجامعيه.
۳. اصفهاني، فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶)، كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۴. ايماني، عباس، (۱۳۸۲)، فرهنگ اصطلاحات حقوق كيفرى، تهران، نشر آريان.
۵. بروجردى، آقا حسين طباطبايى، (۱۴۲۹)، جامع احاديث الشيعة، انتشارات فرهنگ سبز، تهران.
۶. جزيرى، عبدالرحمن، (۱۴۱۹)، الفقه على المذاهب الاربعه و مذهب أهل البيت وفقاً لمذهب أهل البيت، بيروت، انتشارات دارالثقلين.
۷. جعفرى لنگرودى، (۱۳۷۸)، محمد جعفر، مبسوط در ترمينولوژى حقوق، تهران، گنج دانش.
۸. حائرى، سيد على بن محمد طباطبايى، (بى تا)، رياض المسائل فى تحقيق الأحكام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۹. حبيب زاده، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، قتل در فراش، نشر به مدرس، شماره ۴، زمستان.
۱۰. حر عاملى، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسايل الشيعة، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.
۱۱. حسنى، عباس، (۱۹۷۲)، شرح قانون مجازات جديد سوم، بغداد.
۱۲. حلى، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰)، السراير الحاوى لتحرير الفتاوى، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دوم.
۱۳. حلى، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، (۱۴۱۴۰)، ارشاد الازهان الى احكام الايمان، قم، مؤسسه النشر الاسلامى.
۱۴. حلى، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، (۱۴۱۳)، قواعد الاحكام فى معرفه الحلال والحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۱۵. حلى، محقق، نجم الدين، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸۷)، شرايع الاسلام فى مسائل الحلال والحرام، قم، مؤسسه اسماعيليان، دوم.
۱۶. خمينى، سيد روح الله موسوى، (بى تا)، تحرير الوسيله، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۱۷. خويى، سيد ابو القاسم موسوى، (۱۴۱۸)، موسوعه الإمام الخوئى، قم، مؤسسه احياء آثار الإمام الخوئى.
۱۸. دهخدا، على اكبر، (۱۳۴۱)، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، دوم.
۱۹. زراعت، عباس، (۱۳۸۵)، حقوق جزاى اختصاصى، تهران، انتشارات فکرسازان.
۲۰. طوسى، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۳۸۷)، المبسوط فى فقه الاماميه، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، سوم.
۲۱. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، (۱۴۱۰)، الروضة البهيه فى شرح المعنة الدمشقيه، قم، كتابفروشى داورى.
۲۲. عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، (۱۴۱۷)، الدروس الشرعيه فى فقه الإماميه، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دوم.

۲۳. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۰)، اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامیة، بیروت، دارالتراث الإسلامیة.
۲۴. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۷)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
۲۵. عمید، حسن، (۱۳۴۲)، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، شانزدهم.
۲۶. عوده، عبدالقادر، (بی تا)، التشریع الجنایی الاسلامی.
۲۷. فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت.
۲۸. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۳)، حقوق جزای اختصاصی، تهران، دانشگاه تهران، دهم.
۲۹. ماده ۳۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
۳۰. مهرپور، حسین، سیری در مبانی فقهی و حقوقی ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، نشریه نامه مفید، شماره ۸، دوم.
۳۱. نجفی، محمد حسن، (بی تا)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، هفتم.
- نوری، محدث، میرزا حسین، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.